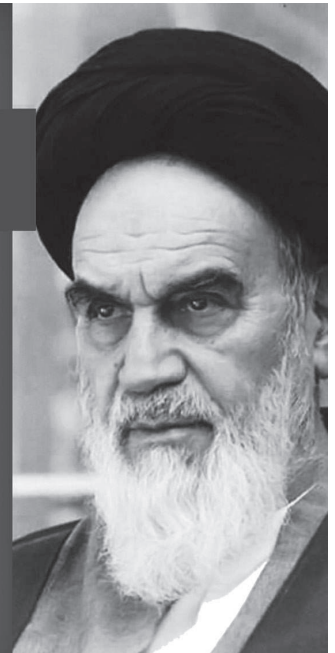


۹۹ امام خمینی

همه جا کربلاست

همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم؛ و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته؛ انحصار به یک افراد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه زمینها باید این نقشه را اجرا کنند، و همه روزها غفلت نکنند.

صحیفه امام؛ ج ۱۰ صفحه ۱۲۰



در دیگر صحنه‌های بین‌المللی نیز عملکرد دولت به گونه‌ای بود که تصویر و برند ملی ما خدشه دار شد. در دیپلماسی ورزشی بسیار منفعل عمل کردیم و محرومیت‌های زیادی را متحمل شدیم، در دیپلماسی علمی توجه نکردیم و جایگاه علمی خود برای حضور دانشجویان خارجی در کشور را از دست دادیم، در دیپلماسی گردشگری مبهوت اروپاییان شدیم و پایگاه‌های اصلی گردشگری یعنی همسایگان را فراموش کردیم. و امروز منتظر تحول هستیم، تحولی حقیقی که بتوان آن را به خوبی به نمایش گذاشت و با ایجاد تصویری مناسب، ایرانی قوی را به جهان مخابره کنیم.

شعارهای انقلاب و ملت ایران هم خوانی نداشت. این عدم هم‌نوایی موجب آن شد که در فضای بین‌الملل دوستان دیرینه و حقیقی دل سرد شده و دشمنان قسم خورده به طمع افتند. شعارهایی نظیر «نه شرقی، نه غربی» جای خود را به «نه غزه، نه لبنان» داد، تا این بار جهان عرب با تعجب از ما بپرسد چگونه می‌شود کشوری که خود را ام‌القری جهان اسلام می‌داند و خود را محور مقاومت معرفی می‌کند تمام تمرکز خود را بر مذاکره با رأس نظام سلطه می‌گذارد؟ این تخریب وجهه ملی ایران در ابعاد دیگر نیز در سال‌های گذشته ادامه داشت و نه تنها در میدان تعاملات سیاسی بلکه

یادداشت فتح

خلأ تصویر سازی در دیپلماسی امروز

در روزهایی که تب روی کار آمدن کابینه دولت سیزدهم داغ است، جا دارد نیم‌نگاهی هم داشته باشیم به آنچه که دیروز و امروز جهانیان از ما دیده‌اند. تصویری که از ما در جهان مخابره می‌شود و همین تصویر به مبنای عمل و کنش برای بسیاری از کشورها در قبال جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود. و باید توجه داشت که آنچه امروز به نمایش می‌گذاریم و امروز تصویر سازی می‌کنیم قطعاً بی‌نصیب از تصویر سال‌های گذشته ما نیست. در یک دهه گذشته در کنار غفلت و ساده‌انگاری در موضوعات مختلف یکی از حوزه‌هایی که به شدت دولت در آن ضعیف عمل کرد و جا دارد که به عبرتی برای آینده نیز تبدیل شود، حوزه دیپلماسی عمومی و تصویر سازی ملی بود. در سال‌های گذشته عملکرد تصویر سازی دولت به گونه‌ای رقم خورد که با بسیاری از آرمان‌ها و اهداف و



جهاد هوشمند

طی سال‌های اخیر سوالی درباره اردوهای جهادی ایجاد شده است که بعد از گذشت بیش از ۴۰ سال از عمر پُر خیر انقلاب اسلامی، به چه دلیل همچنان نیاز کشور به اردوهای جهادی به قوت خود باقی بوده و هنوز که هنوز است، استان‌های محروم کشور پُراند از مناطقی که حداقلی‌ترین امکانات زندگی را هم ندارند، چه رسد به امکانات رفاهی و فرهنگی؟! این سوال بسیار به جاست؛ چراکه باید اکنون در آستانه گام دوم انقلاب اسلامی همچون همه عرصه‌های دیگر، عملکرد اردوهای جهادی و سازندگی کشور هم مورد ارزیابی قرار گیرد تا چنانچه اشتباهی در روند فعالیت خود دارند، در پی اصلاح آن برآیند. متأسفانه اردوهای جهادی ما عمدتاً در به دنبال تأمین نیازهای ابتدایی مردم مناطق محروم به وسیله افرادی هستند که از مناطق دیگر اعزام می‌شوند. در صورتی که این کار باعث شده تا در برخی از این مناطق مردم به این روند عادت کرده و حتی در مواقعی که امکانات و توان لازم هم برایشان فراهم است نیز همتی برای حل مشکلات خود نداشته باشند و چشم انتظار کمک دیگران باشند. حال آنکه در بسیاری از بخش‌های کشور فقط لازم است مصالح به همراه یک مهندس عمران یا کشاورزی به منطق اعزام شود تا به وسیله خود مردم این سازندگی صورت گیرد. به عبارت دیگر باید این فرهنگ در میان مردم آن مناطق ایجاد شود که خودشان کمر بر حل مشکلاتشان ببندند. از سوی دیگر کمک‌های عمرانی، خوراک و

بهداشتی در بسیاری از این اردوها بسیار پیرنگ‌تر از آموزش‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و این مسئله باعث رشد نکردن مردم مناطق محروم در این حوزه‌ها گشته که اولین آفت آن خو گرفتن این مردم با امکانات حداقلی فعلی می‌باشد؛ چنانکه گاهی دیده شده مردم برخی مناطق به شدت با عملیات گروه‌های ایشاگر جهادی برای سازندگی آن منطقه مخالفت شدید کرده و مانع کار آن‌ها شده‌اند. علت دیگری که وجود دارد، شناسایی نشدن دقیق مناطق محروم واقعی است. در حال حاضر بسیاری از اردوهای جهادی صرفاً با هدف زندگی در شرایط سخت و رشد شخصیتی شرکت‌کنندگان اردوها برگزار می‌شود و توجهی از سوی برگزارکنندگان این اردوها برای یافتن مناطق محروم واقعی صورت نمی‌پذیرد. حتی ممکن است منطقه‌ای بعد از چند سال برگزاری اردوی جهادی، به آبادانی خوبی رسیده باشد و محرومیت از آن منطقه رخت بر بسته باشد اما همچنان در آن منطقه اردوی جهادی برگزار شده و سراغی از دیگر مناطق گرفته نمی‌شود. آخرین مورد اما مربوط به دولت‌هاست که با دیدن کارهای جهادی ایشاگران جبهه سازندگی رو به تنبلی گراییده و دیگر به وظایف خود در قبال مناطق محروم عمل نمی‌کنند. برای حل این مسئله لازم است گروه‌های جهادی مطالبه‌گری از مسئولین راهم در دستور کار خود قرار دهند و مجلس شورای اسلامی هم به وظیفه خود یعنی فشار بردولت برای انجام این سازندگی فشار بیاورد. در پایان باید به معدود جهادگرانی هم اشاره کرد که فعالیت‌های خلاقانه، هدفمند و کاربردی تعریف کرده و علاوه بر محرومیت‌زدایی از مناطق محروم، مردم آن مناطق را به سطحی از آگاهی و رشد

می‌رسانند که خودشان عزم آبادانی مناطق اطراف خود را نیز پیدا می‌کنند؛ اما هنوز تعداد این گونه گروه‌های جهادی با بازدهی بالا به نسبت تعداد زیاد گروه‌های جهاد در کشور بسیار کم است.

تأملاتی در خصوص وضعیت فعلی افغانستان

۱- در تحولات اخیر افغانستان، به نظر می‌رسد آمریکا در تلاش است تا از یک شکست قطعی (ناکامی در ایجاد یک الگوی مطلوب سیاسی در کابل و خروج اجباری از این کشور)، زیرساخت یک پیروزی (ایجاد یک کانون آشوب منطقه‌ای برای تخلیه بخشی از توان استراتژیک چین، روسیه و ایران) را نتیجه بگیرد

۲- اصلی‌ترین داری‌های به دست آمده برای آمریکا در پی اشغال افغانستان، کسب اطلاعات راهبردی و شناخت دقیق افغانستان، رهبران، نخبگان و مردم این کشور در جایگاه نخست، و سپس نفوذ در لایه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف آن حتی در میان مخالفان آمریکا در افغانستان است! امری که اکنون به یک مزیت رقابتی راهبردی برای آمریکا در برابر سایر طرف‌های حاضر در صحنه افغانستان بدل شده است.

۳- تسخیر افغانستان به دست طالبان به طور حتم مورد رضایت و در چارچوب محاسبات راهبردی آمریکا است و اساساً توافقات حاصل از مذاکرات آمریکا و طالبان در قطر، زمان و نحوه خروج آمریکا از افغانستان بستر سقوط کشور به دست طالبان را فراهم آورده است.

۴- طالبان یک جریان افغانستانی برخوردار از حمایت خارجی (پاکستان) است و البته موجودیتی یکپارچه نیست؛ به این معنا که سهم رهبران محلی و میدانی این گروه - که برخی از ارتباطات و حمایت‌های خارجی مستقل نیز برخوردار هستند - در اقدامات و تحولات میدانی گاه بیشتر از فرماندهان و رهبران ارشد گروه است!

۵- طالبان یک گروه و جریان تحت سیطره آمریکا نیست. اما تجربه ۲۰ ساله آمریکا در افغانستان، این گروه و اقدامات آن را برای آمریکایی‌ها محاسبه‌پذیر ساخته و آمریکایی‌ها امروز از ابزارهای مختلفی برای مدیریت الگوی رفتاری طالبان و اثرگذاری بر آن برخوردار هستند و بر همین اساس آن را در چارچوب راهبرد کلان خود برای منطقه به کار گرفته‌اند.



هاشمی زنده است؟

بیش از آنکه الگوی سازندگی و توسعه باشد، تبدیل به یک درس عبرت تمام عیار شد. هشت سال تاختن او سوار بر ابراهه توسعه، به خوبی نشان داد توسعه‌ی ناعادلانه همراه با خفقان سیاسی، به طغیان می‌انجامد. تجربه‌های تلخ عصرِ هاشمی، این حقیقت را فاش کرد که تنها اعتراض و فضای آزاد سیاسی است که عادلانه بودن توسعه را تضمین می‌کند و اگر خفقان حاکم شود، اشراف سیاسی به نام توسعه جیب‌شان را از حق فقرا پر خواهند کرد. ایران ۱۴۰۰ بی‌شباهت به مرداد ۶۸ نیست. ایران، امروز در پشت سرش هشت سال ویرانی را می‌بیند. هشت سال سختی توأم با صبر. ما باز هم در عصر سازندگی هستیم. باز هم در انتخاباتی یک طرفه منتخبی را برگزیدیم تا جانی دوباره به میهن بدهد. امروز در مواجهه با این انتخاب‌مان، دو راه در پیش رو داریم. راه اول همان

و جوب می‌رسیدند. چیزی نگذشت که اختلاس به طبیعت جاری در ابرپروژه‌های اقتصادی بدل شد. لباس اشرافیت به تن مدیران دوخته شد و له شدن فقرا به عنوان هزینه‌های ناگزیر رسیدن به بهشت توسعه، توجیه شد. هاشمی سوار بر ابراهه توسعه داشت می‌تاخت و یک اکثریت خوش‌بین برایش هورا می‌کشیدند و شعار می‌دادند «مخالف هاشمی، مخالف رهبراست / مخالف رهبری دشمن پیغمبر است». اقلیتی ساکت اما خون دل می‌خوردند. آن‌ها واقعیتی را در پس این ابراهه‌رانی می‌دیدند؛ واقعیتی که سال‌های بعد برای عموم مردم به نمایش درآمد. در میانه ابراهه‌رانی توسعه، اندک صداهای اعتراض خفه می‌شدند. نقد هاشمی، نقد انقلاب و رهبری قلمداد می‌شد و برچسب‌های سیاسی بر سر منتقدان خراب می‌شدند. عدالت با تیغ توسعه داشت ذبح می‌شد و انسداد سیاسی امکان فریاد زدن این واقعیت تلخ را سلب کرده بود. اعتراض، بدل به خط قرمزی شده بود که هاشمی اجازه نمی‌داد کسی از مرزهای آن عبور کند. سرانجام بغض‌های فروخورده مستضعفان و فرودستان فریاد شد و اولین اعتراضات معیشتی بعد از انقلاب را در خیابان‌ها رقم زد. اعتراضاتی که از کوی طلاب مشهد شروع شد. حالا از توسعه فقط یک تورم ۵۰ درصدی مانده بود و فقرایی که سهم‌شان از توسعه خُرد شدن بود. پاسخ هاشمی به اعتراضات، مشت آهنین بود. هاشمی در زوروقِ حمایت‌های کورکورانه و البته در خلا فضای اعتراض، ۴ سال بعد هم در رویای توسعه تازاند و پس از این دوران هشت ساله لقب «سردار سازندگی» را از آن خود کرد. دولت او اما برای آیندگان

پرچم‌های سفید آتش بس که به اهتزاز درآمد، ما ماندیم و انقلاب نوپایی که هشت سال قبل، بازیگران اصلی نظم جهانی تولدش را با شلیک گلوله تبریک گفتند. جنگ، هدیه آن‌ها به این انقلاب نوپا بود. حالا اما جنگ تمام شده بود. تمام شدنی که بی‌حرف و حدیث نبود. صحبت از نوشاندن جام زهر بود و عقلایی که پیش‌نیاز تحقق رویاهایشان، جمع شدن بساط جنگ بود. بساط جنگ جمع شد. خرداد سال بعد، انقلاب جنگ زده، امامش را از دست داد. ایران یکپارچه سیاه شد. این سیاهی اما مقدمه‌ی ورود به دالانی بود که انقلاب را وارد عصر جدیدی می‌کرد. دالانی که می‌توانست قتلگاهش باشد. آغاز این دالانِ خوفناک، انتخابات سال ۶۸ بود. نقل محافل این بود که «باید از پس این هشت سال سیاهی، دنیای جدیدی بسازیم. باید کشور را بسازیم. باید توسعه پیدا کنیم». در انتخابات، ۷۹ نفر ثبت‌نام کردند. فقط دو نفر تایید صلاحیت شدند. عباس شیبانی و اکبر هاشمی رفسنجانی. نتیجه را همه می‌دانستند و عملاً انتخاباتی در کار نبود. با این حال همه از مقطع حساس کنونی می‌گفتند؛ مقطعی که در آن کشور نیاز به سازندگی دارد. سازندگی در اولویت بود. بقیه مسائل همه فرع بودند و گوشی حوصله شنیدن‌شان را نداشت. هاشمی رفسنجانی از ۱۶ و نیم میلیون رای ماخوذه، ۱۵ و نیم میلیون رای را از آن خود کرد و ایران وارد دنیای جدیدی شد. دنیایی که غایتش سازندگی، توسعه و ژاپن اسلامی بود. همه مفاهیم ذیل این غایت تعریف می‌شدند. حتی محرمات دینی هم اگر رسیدن به این غایت را یاری می‌دادند، یک شبه به مقام استحباب و یا حتی

نذورات و کمک جهت برگزاری هیأت میثاق با شهدا

شما می‌توانید هدایا و نذورات خود برای مشارکت در هزینه‌های برگزاری جلسات هیأت میثاق با شهدا را از مسیره‌های زیر به ما برسانید.

شماره کارت (بنام هیأت میثاق با شهدا) ۶۵۵۳-۱۰۰۰-۸۱۷۰-۶۲۷۳

شماره شبها (بنام هاشمی کلپایگانی) IR۹۷۰۶۳۰۱۸۵۶۰۴۲۰۵۴۵۹۶۹۶۰۰۱

فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

شناسنامه فتح ۲۰۸

مدیرمسئول: علی راستی

مدیرمسئول: علی راستی

سردبین: محمد رضائی جوزانی

سردبین: علی حکیمی

دبیر هیئت تحریریه: محمد بوالحق

هیئت تحریریه

محمد جواد مولوی

محمد صادق رحیمی

مهدی نریمانی

علی آبکار

درگاه‌های ارتباطی فتح

FathISU_IR



۱۰۰۰۴۰۷۲

سامانه پیامکی

BasijISU.ir

نسخه دیجیتال فتح را



با اسکن این کد دریافت کنید